

Timeliness and Objective & Constructive Suggestions in Review Ethics: A Case Study of the Review Documents of Journal of Information Processing and Management (JIPM)

Reza Rajabali Beglou*

PhD in Knowledge and Information Sciences; Assistant Professor;
Iranian Research Institute for Information Science & Technology
(IranDoc); Tehran, Iran Email: beglou@irandoc.ac.ir

Mohammad Rabiei

PhD in IT Engineering; Assistant Professor; Iranian Research
Institute for Information Science & Technology (IranDoc);
Tehran, Iran Email: m.rabiei@irandoc.ac.ir

Zahra Rajabali Beglou

BA in Social Science & Anthropology; Research assistant at
Iranian Research Institute for Information Science & Technology
(IranDoc); Tehran, Iran Email: zahrabeglou96@gmail.com

Received: 31, Aug. 2021 Accepted: 28, Dec. 2021

Abstract: Review or peer-review in scientific journals is one of the effective processes in improving the quality of scientific publications which adhere or pay attention to ethics in this process can strengthen journals and improve the decision-making process for editor in chiefs. In this study, paying attention to peer-review ethics in the *Journal of Information Processing and Management (JIPM)* evaluated in two dimensions of “timeliness” and “objective and constructive suggestions”. For this purpose, the reports and review files in the period of October 2017 to December 2020 analyzed qualitatively with a deductive or directed content analysis approach in MaxQDA V. 2020. The results showed that the average duration of peer review was 28 days and this period is not significantly different between the five domains of the journal research domains. In addition, in the dimension of “objective and constructive suggestions”, more attentions were paid to the sub-elements of “providing useful and constructive feedback to improve the clarity of manuscript” and “request supporting evidence(s) from the authors for their claims” than other sub-elements. Also, “comments based on valid scientific and technical criteria” had the least amount of consideration

**Iranian Journal of
Information
Processing and
Management**

**Iranian Research Institute
for Information Science and Technology
(IranDoc)**

ISSN 2251-8223

eISSN 2251-8231

Indexed by SCOPUS, ISC, & LISTA

Vol. 38 | No. 1 | pp. 31-56

Autumn 2022

<https://doi.org/10.35050/JIPM010.2022.018>



* Corresponding Author

in this dimension. Research results can improve decision of the *JIPM* editor in chief's from two perspectives. First, in terms of "timeliness", the *JIPM* was in a relatively good position. Also, peer reviewers in the five domains did not perform the same for the sub-elements of the "objective and constructive suggestions" dimension. This can be related to the nature of the articles in these subject areas and, the subject knowledge and moral literacy of the peer reviewers in these areas.

Keywords: Review Ethics, Peer Review, Timeliness, Objective & Constructive Suggestions, Journal of Information Processing & Management (*JIPM*)



پایبندی به زمان داوری و ارائه پیشنهادها عینی و سازنده در اخلاق داوری مطالعه موردی: اسناد داوری پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات

رضا رجبعلی بگلو

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛ استادیار؛
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)؛
تهران، ایران؛
پدیده‌آور رابط beglou@irandoc.ac.ir

محمد ربیعی

دکتری مهندسی فناوری اطلاعات؛ استادیار؛
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)؛
تهران، ایران m.rabiei@irandoc.ac.ir

زهرا رجبعلی بگلو

کارشناسی علوم اجتماعی و مردم‌شناسی؛ همکار پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)؛
تهران، ایران؛ zahrabeglou96@gmail.com



مقاله برای اصلاح به مدت ۲۷ روز نزد پدیدآوران بوده است.

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹

چکیده: داوری یا همترازخوانی مجله‌های علمی از فرایندهای تأثیرگذار در بهبود کیفیت نشر علمی است که رعایت با توجه به اخلاق در این فرایند می‌تواند موجب تقویت نشریه و بهبود فرایند تصمیم‌گیری سردبیر شود. در این پژوهش، رعایت با توجه به اخلاق همترازخوانی در «پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات» در دو بُعد اخلاق «پایبندی به زمان داوری» و «ارائه پیشنهادها عینی و سازنده» ارزیابی شد. برای این منظور، گزارش‌ها و فایل‌های داوری در بازه زمانی مهر ۱۳۹۶ تا آذر ۱۳۹۸ به روش کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای قیاسی با جهت‌دار در نرم‌افزار «مکس کیودی‌ای ۲۰۲۰» بررسی و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد که متوسط مدت‌زمان همترازخوانی ۲۸ روز است و این مدت تفاوت قابل توجهی میان قلمروهای پنج‌گانه «پژوهشنامه» ندارد. همچنین، در بُعد «ارائه پیشنهادها عینی و سازنده»، رعایت با توجه به زیرمؤلفه‌های «ارائه بازخوردهای مفید و سازنده برای بهبود وضوح اثر» و «درخواست شواهد پشتیبان از نویسندگان برای ادعاهای مطرح‌شده» بیشتر از دیگر زیرمؤلفه‌ها

نشریه علمی | رتبه بین‌المللی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)

شاپا (چاپی) ۲۲۵۱-۸۲۲۳

شاپا (الکترونیکی) ۲۲۵۱-۸۲۳۱

نمایه در SCOPUS، JISC، LISTA و

jipm.irandoc.ac.ir

دوره ۳۸ | شماره ۱ | صص ۳۱-۵۶

پاییز ۱۴۰۱

<https://doi.org/10.35050/JIPM010.2022.018>



بود. همچنین، زیرمؤلفه «ارائه پیشنهادهای بر پایه دلایل علمی و فنی معتبر» کمترین میزان رعایت یا توجه را در این بُعد به خود اختصاص داد. نتایج پژوهش از دو دیدگاه می‌تواند تصمیم‌گیری سردبیر را بهبود بخشد. نخست این که از بُعد «پای‌بندی به زمان داوری» به نظر می‌رسد مجله از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار است. همچنین، همترازخوانان در قلمروهای موضوعی پنج‌گانه نسبت به زیرمؤلفه‌های بُعد «ارائه پیشنهاد عینی و سازنده» یکسان عمل نکرده‌اند. این قضیه می‌تواند به ماهیت مقاله‌های این قلمروهای موضوعی و البته، دانش موضوعی و سواد اخلاقی همترازخوانان در این قلمروها پیوند داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق داوری، همترازخوانی، پایبندی به زمان داوری، ارائه پیشنهادهای عینی و سازنده، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات

۱. مقدمه

تصور پیشرفت علم بدون فرایند و عاملی همچون نظام داوری و همترازخوانی^۱ دست کم بسیار دشوار است. مفهوم داوری معنای گسترده و فراوانی در خود دارد. «در واقع، بسیاری از فلاسفه علم، داوری را ستونی بسیار مهم از شیوه علمی می‌دانند، زیرا بی‌طرفی و تکرارپذیری را تقویت می‌کند» (کاردان ۱۳۹۴، ۲۴۰). شاید بتوان داوری و همترازخوانی را گونه‌ای از رفتار علمی دانست که برای بررسی دقیق، عالمانه و منصفانه اثر یا فعالیت علمی یا پژوهشی ضروری است. این فرایند ذهنی دربرگیرنده تلاش برای بررسی اصالت، ارزش، اثرگذاری، نوآوری و به‌طور کلی، اهمیت اثر یا فعالیت پژوهشی است. افزون بر این، این فعالیت علمی یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر اخلاق نشر علمی^۲ نیز محسوب می‌شود و داوران از مهم‌ترین اجزای نشر علمی، به‌ویژه نشر مقاله‌های علمی در نظر گرفته می‌شوند. آنچه میان اخلاق نشر علمی و همترازخوانی پیوند درونی ایجاد می‌کند، همراستایی آن با اخلاق پژوهش^۳ است. داوری اثر، امری زمان‌بر و دشوار است و دربرگیرنده ارزیابی دقیق اثر بوده و این ارزیابی مستلزم این است که داوران با روش علمی آشنا باشند، مقاله‌های حوزه تخصصی خود را داوری کنند و دانش موضوعی مربوط به مقاله‌های منتشرشده اخیر را داشته باشند.

۱. اصطلاح داوری (Review) به‌طور معمول برای نقد و ارزیابی هر نوع برون‌داد علمی همچون کتاب، مقاله علمی، همایش، جایزه یا محصول کاربردی یا تجاری به کار می‌رود و از اصطلاح همترازخوانی (peer review) بیشتر برای آثار علمی به‌ویژه مقاله‌های علمی استفاده می‌شود.

2. scientific publication ethics

3. scientific ethics

نقش داوری اثر در بهبود برون‌دادهای پژوهشی مهم و تأثیر گذار است. از این رو، لازم است این رفتار علمی به گونه‌ای انجام شود که به بهبود اثر، چه برای انتشار در همان مجله و چه برای انتشار در سایر مجله‌ها، یاریگر پدید آوران باشد. یکی از توصیه‌های کلی داوری رعایت این قاعدهٔ زرین یا طلایی^۱ است که «با دیگران همان‌طوری رفتار کن که رضایت می‌دهی در همان موقعیت با تو رفتار شود» (بحرینی ۱۳۹۵، ۱۸۱). با این حال، برای کاربست قاطعانه و مشخص این قاعده نیاز است که داوران به اصول و رهنمودهای اخلاقی داوری پایبند باشند.

همتراز خوانان به‌طور معمول هنگام همتراز خوانی با ملاحظه‌های اخلاقی آروبه‌رو می‌شوند. اگر همتراز خوانی را به معنای عام آن و در زیست‌بوم^۲ مجله علمی و دربرگیرندهٔ داوران اثر، سردبیر یا دبیران علمی و اعضای هیئت تحریریهٔ آن مجله در نظر بگیریم، این ملاحظه‌ها به موقعیت‌ها، نیازمندی‌ها و ویژگی‌های نظام‌های علمی و ارتباط علمی^۳ حاکم بر آن‌ها و فناوری‌ها پیوند می‌خورد. این ملاحظه‌ها در پذیرش یا رد انتشار اثر به سردبیر(ان) و یا ارائهٔ راهنمایی‌های سودمند به پدید آور(ان) یاری می‌رسانند. پایبندی به این اصول و رهنمودهای اخلاقی از یک‌سو موجب تعالی ارتباط علمی شده و از سوی دیگر، این جزء از فرایند علمی در ابعاد گوناگون مستعد سوگیری و سوءاستفاده و گاه اطمینان‌ناپذیر بوده است (Tennant et al. 2017).

افزون بر این، همتراز خوانی ماهیتی یگانه و ایستا ندارد و با شگردها و شیوه‌های گوناگونی اجرایی می‌شود که تحت تأثیر رویکردهای گوناگون زمان‌بندی، شفافیت و انضباط در چرخهٔ نشر علمی قرار دارد (Ross and Hellauer in Tennant et al. 2017). برخی همچون «هیمز»، همتراز خوانان و سردبیران را دروازه‌بان مجله‌های علمی در نظر می‌گیرند و نقش آن‌ها را از برجسته‌سازی ناکارآمدی‌های علمی و شناسایی تفسیرهای نادرست از یافته‌ها نیز فراتر می‌دانند. به باور وی لازم است همتراز خوانان بازنمایی آثار را بهبود بخشند، دربارهٔ مجله‌های جایگزین و شاید مناسب‌تر برای انتشار آثار مشاوره دهند، و به‌طور کلی، به باروری آثار علمی پژوهشگران یاری شایانی نمایند (Hames 2007, xi). افزون بر این، آثاری را که در آن‌ها تقلب یا رفتار غیر اخلاقی رخ داده است، شناسایی کنند.

1. golden rule

2. ethical considerations

3. ecosystem

4. scientific/ scholarly communication

از دیدگاه «کاردان»، داوری، دو مفهوم متضاد تخصص و بی‌طرفی را کنار یکدیگر می‌آورد و به‌عنوان سازوکاری برای کنترل کیفیت ایجاد شده که از تبعیض در اختصاص منابع مالی جلوگیری می‌کند و به تصمیم‌های بی‌طرفانه یاری می‌رساند (کاردان ۱۳۹۴، ۲۳۱). از سوی دیگر، به‌ویژه در مجله‌های علمی که سرعت تولید علم بالا بوده و تخصص‌گرایی اهمیت خاصی دارد، همترازخوانی بیشتر برای تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی اثر کارکرد می‌یابد. از این رو، «همیز» یکی از کارکردهای همترازخوانی را «ارائه شواهدی به سردبیر برای قضاوت درباره اثر» معرفی می‌کند (Hames 2007, 2-3).

فارغ از فراوانی کاربردهای همترازخوانی، از جمله سردبیرانه، آشکار یا باز، پنهان یا گمنام^۲، مشارکتی^۴، انتقال‌پذیر^۵، سوم‌شخص^۶ و غیره، هر یک از این گونه‌ها چارچوبی را برای داوری برگزیده‌اند. برای نمونه، الگوی متداول در نظام همترازخوانی آشکار یا پنهان که تمایز میان این دو، به هویت داور و پدیدآور اثر ارتباط پیدا می‌کند، سردبیر یا گروهی از دبیران همراه با دست‌کم دو همترازخوان در این همکاری حضور دارند. بنابراین، لازم است همترازخوانی را به‌صورت فرایندی ببینیم که می‌تواند در اجرای اخلاقی همترازخوانی تأثیرگذار و سودمند باشد و در نتیجه، بهبود و ارتقا در هر یک از اجزای این فرایند می‌تواند به بهبود کل فرایند داوری منجر شود. به‌جز نظام سردبیرانه که سردبیر(ان) به‌تنهایی همه تصمیم‌ها را برمی‌گزیند (یا برمی‌گزینند)، در بیشتر نظام‌های همترازخوانی، همترازخوانان نقش مشاور دارند. گرچه سردبیر بر خلاف همترازخوانان که اثری را رد کرده‌اند، به این دلیل که موضوع بجا، جالب، تفکربرانگیز یا جنجالی است، ممکن است اثر را منتشر کند (قاسمی و آزادی ۱۳۸۹، ۳). از دیدگاه «کاردان» به‌طور معمول، اگر هر دو داور به تأکید بر پذیرش یا رد مقاله‌ای نظر داده باشند، سردبیر نظر آن‌ها را می‌پذیرد، اما وقتی داوران در پذیرش یا رد اثر تردید دارند، تصمیم نهایی را سردبیر می‌گیرد (۱۳۹۴، ۲۳۷). در این مواقع، برخی سردبیران به‌سادگی مقاله‌ای را پذیرفته یا رد می‌کنند، حال آنکه برخی ممکن است آن را به همترازخوان سومی بفرستند. بنابراین، می‌توان نقش مهم و حیاتی همترازخوانان در تصمیم‌گیری بهتر در فرایند داوری در آثار پدیدآوران را به‌خوبی و روشنی دید.

1. editorial review

2. open

3. blind

4. collaborative

5. transferable

6. third party

«کاولی» همتراز خوانی را فرایندی دشواری‌زا و آکنده از چالش‌های اخلاقی می‌داند. وی بر این باور است که همتراز خوانی قدرت تصمیم‌گیری به افرادی می‌دهد که نفعشان در رد کردن آثاری است که مشابه آثار خود آن‌هاست. به بیان دیگر، به آن‌ها قدرت می‌دهد تا موقعیت حرفه‌ای خود را از طریق متوقف کردن پیشرفت‌های رقبای ارتقا دهند (Cawley 2011). البته، باید این را نیز در نظر داشت که امروزه، سامانه یا وبگاهی برای همتراز خوانی در مجله‌ها راه‌اندازی شده که رویه‌های استاندارد یا پیشنهادی برای همتراز خوانی اثر، شیوه انتخاب همتراز خوانان، زمان صرف‌شده برای هر اثر، فراوانی استفاده از همتراز خوانان و نامه‌های فرم‌گونه در آن‌ها تعبیه شده است. از دیدگاه «کالاها» همه همتراز خوانان باید از انتظارات مجله آگاه باشند و سردبیران نیز باید تلاش کنند که به آن‌ها آموزش دهند. از سوی دیگر، سردبیران باید به صورت مداوم کیفیت فعالیت همتراز خوانان را بررسی و ارزیابی کنند تا عملکرد مجله بهینه شود. البته، داده‌هایی که عملکرد شخصی همتراز خوانان را ارزیابی می‌کند، باید محرمانه بوده و برای بهبود فرایند داوری استفاده شود (Callahan 2003).

سردبیران، مسئول تأمین کیفیت مجله‌ها، اخلاقی بودن، دقت و ارتباط گزارش‌های همتراز خوانی با آثار علمی هستند. آن‌ها تصمیم‌گیرنده نهایی فرایند همتراز خوانی هستند؛ رفتارشان باید شفاف باشد؛ نباید از اطلاعات به دست آمده برای کاربرد شخصی یا بی‌اعتباری دیگران استفاده کنند؛ باید مستقل باشند و تحت تأثیر فشار افراد دیگری خارج از مجله قرار نگیرند. سردبیران باید اثر را فارغ از سوگیری‌های نژادی، جنسیتی، مذهبی، قومی، شهروندی، سیاسی و ... پدید آور قضاوت کنند. همچنین، باید خط مشی سردبیری را با مشورت سایر اعضا تدوین و روزآمد کنند (Hames 2007, 9-158).

این مؤلفه‌های اخلاق همتراز خوانی برای همتراز خوانان نیز کمابیش به کار می‌رود. برای نمونه، «هیمز» مهم‌ترین بدرفتاری‌های اخلاقی همتراز خوانان را آشکار نکردن برخورد منافع^۱، افشای اطلاعات به دیگران، استفاده از اندیشه و یافته‌های پژوهشگران، دیرکرد در انجام همتراز خوانی و خدشه وارد کردن به شخصیت یا شهرت پدیدآوران معرفی می‌کند (Hames 2007, 182). «کاردان» مؤلفه‌های اخلاقی همتراز خوانی را شامل رازداری، رعایت حقوق معنوی پدیدآور، توجه به برخورد منافع، وقت‌شناسی و تعهد

1. conflict of Interests (Cols)

حرفه‌ای می‌داند (۱۳۹۴، ۲۴۰-۲۵۱). همچنین، داوران باید داوری را در زمان تعیین شده انجام دهند و در صورتی که نمی‌توانند این کار را در مدت زمان معینی انجام دهند، نباید مسئولیت داوری را بپذیرند و در صورت امکان، فرد دیگری را برای داوری معرفی کنند. «آلن» و همکارانش، یکپارچگی محتوا، اخلاق محتوا، انصاف، سودمندی و به‌موقع بودن را اصول همترازخوانی خوب معرفی کرده‌اند و برای هر یک از این اصول پیشنهادهایی ارائه نموده‌اند (Allen et al. 2019). افزون بر این، بررسی دقیق، کامل، انتقادی و مسئولانه آثار از وظایف همترازخوانان است. «رجبعلی‌بگلو» و همکارانش در پژوهشی، مؤلفه‌های اصلی اخلاق داوری را دربرگیرنده ۸ مؤلفه اصلی و ۴۰ مؤلفه فرعی معرفی کردند. مؤلفه‌های اصلی اخلاق داوری پایبندی به زمان داوری^۱، رعایت محرمانگی^۲، نبود سوگیری^۳، توجه به برخورد منافع، توجه به بدرفتاری پژوهشی^۴، بیان احترام‌آمیز و منصفانه^۵، ارائه پیشنهاد عینی و سازنده^۶ و مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی^۷ بود و در مجموع، دربرگیرنده ۴۰ مؤلفه فرعی بودند (۱۳۹۸). هرچند این اصول اخلاقی همترازخوانی مشهود به نظر می‌آیند و توسط کمیته اخلاق نشر (کوپ)^۸ نیز به آن‌ها اشاره شده است، ولی گاهی این اصول اخلاقی از سوی همترازخوانان رعایت نشده یا به اجرای آن‌ها توجه نمی‌شود. باید در نظر گرفت که «رعایت» اصول اخلاق همترازخوانی برای برخی از مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها برای همه آثار ضروری به نظر می‌رسد. برای نمونه، از همترازخوانان انتظار می‌رود که به درخواست مجله برای همترازخوانی مقاله به‌موقع پاسخ بدهند، در زمان یا چارچوب زمانی پذیرفته شده یا پیشنهادی همترازخوانی کنند و از روی عمد، فرایند همترازخوانی را طولانی نکنند. در حالی که توجه به برخی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها در شرایطی ویژه از همترازخوانان انتظار می‌رود (برای نمونه، در مؤلفه «ارائه پیشنهاد عینی و سازنده»، ارائه بازخوردهای مفید و سازنده برای افزایش وضوح اثر، ارائه پیشنهادی عینی برای بهبود تحلیل‌های بیشتر)، درخواست شواهد پشتیبان از پدیدآوران برای ادعاهای مطرح شده و ارائه پیشنهادها بر پایه دلایل علمی و فنی معتبر برای همه آثار و همه شرایط شدنی نیست.

از دیدگاه «بنوس، کرک و هال» تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف پژوهش و تهیه پیشنهادها به شیوه و لحنی که شوروشوق پدیدآوران را جهت اصلاح پژوهش افزایش

1. timeliness

2. confidentiality

3. bias

4. misconduct of research

5. respectful & fair

6. constructive & objective comments

7. accountability & responsibility

8. Committee On Publication Ethics (COPE)

دهد، جزو وظایف همترازخوان است (Benos, Kirk & Hall) نقل در ابویی اردکان و میرزایی (۱۳۸۹). همچنین، «کوپ» نیز بر این تأکید دارد که داوری باید عینی (بی‌طرف) و سازنده باشد و داور بازخوردی به پدیدآوران ارائه کند که به آن‌ها کمک کند و اثر را بهبود بخشد (Committee On Publication Ethics (COPE). 2017).

از سوی دیگر، «ابویی اردکان و میرزایی» طولانی شدن زمان داوری را مهم‌ترین مشکل مجله‌های علمی-پژوهشی ایران می‌دانند (۱۳۸۹)؛ چرا که این مسئله در تعارض با برخی گزاره‌ها و رهنمودهای اخلاقی «کوپ» درباره داوری به‌موقع و در چارچوب زمانی^۱ تعیین‌شده برای همترازخوانی است (Committee On Publication Ethics (COPE). 2017). همچنین، «علیدوستی» و همکاران نیز بر طولانی بودن زمان داوری، به‌عنوان یکی از مشکل‌های مورد توجه سردبیران اشاره داشتند (۱۳۸۷). البته، باید در نظر داشت که سردبیران به‌طور معمول به‌صورت موضوعی و با توجه به قلمرو یا دامنه^۲ مجله، همترازخوانان را انتخاب می‌کنند. به همین دلیل، بررسی فرایند اخلاق همترازخوانی به تفکیک هر یک از موضوع‌های موجود در قلمرو موضوعی اهمیت دارد و شناسایی نقاط قوت و ضعف همترازخوانان هر موضوع از منظر معیارهای شناسایی شده در اخلاق همترازخوانی افزون بر کمک به سردبیر، می‌تواند باعث بهبود همترازخوانی‌ها و تصمیم‌گیری سردبیران شود. یکی از مجله‌های علمی میان‌رشته که بر اساس ارزیابی «کمسیون نشریه‌های وزارت عتف»^۳ رتبه A بین‌المللی میان نشریه‌های حوزه علوم انسانی دارد، «پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات»^۴ است که در آن، همترازخوانان با توجه به موضوع‌های موجود در قلمرو یا دامنه مجله، انتخاب می‌شوند. به همین دلیل، بررسی پایبندی به اخلاق همترازخوانی به تفکیک هر یک از حوزه‌های موجود در قلمرو موضوعی اهمیت دارد و شناسایی نقاط قوت و ضعف همترازخوانان از منظر اخلاق همترازخوانی افزون بر کمک به سردبیر برای پایش عملکرد همترازخوانان، در کل فرایند همترازخوانی نیز تأثیرگذار بوده و باعث بهبود همترازخوانی‌ها و تصمیم‌گیری سردبیران نیز می‌شود. از سوی دیگر، بررسی و پایش دقیق وضعیت رعایت یا توجه به همه مؤلفه‌های اخلاق همترازخوانی شدنی نیست، زیرا برخی از این مؤلفه‌ها به بافت ویژه‌ای ارتباط پیدا می‌کنند و به‌دلیل ذهنی بودن، گاه نمی‌توان

1. Time-frame

2. Scope

۳. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۴. از این پس، به‌جای عبارت «پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات» از واژه «پژوهشنامه» استفاده می‌شود

شواهدی برای رعایت کردن یا بی توجهی به این مؤلفه‌های اخلاقی به دست آورد. افزون بر این، به باور «رجبعلی بگلو» و همکارانش مؤلفه‌های اخلاقی را می‌توان همچون شبکه‌ای درهم تنیده از مؤلفه‌ها دانست که یک همترازخوان در موقعیت‌ها و شرایط و محیط‌های گوناگون همترازخوانی با آن‌ها روبه‌رو می‌شود (۱۳۹۸). با این حال، به نظر می‌رسد بررسی همه این مؤلفه‌ها را نمی‌توان تنها در اسناد همترازخوانی یک مجله دنبال کرد و از میان همه مؤلفه‌های اخلاقی دو مؤلفه اصلی «پابندی به زمان داوری» و «ارائه پیشنهادهای سازنده و عینی» را می‌توان در چارچوب بررسی اسناد همترازخوانی به شیوه شاهدمحور^۱ دنبال کرد. از دیدگاه «گلدنبرگ» شاهدمحوری در حوزه علوم انسانی و اجتماعی و پزشکی به‌طور معمول، به‌عنوان دلیل استاندارد عملی^۲ و ابزاری برای افزایش اطمینان اخلاقی و البته به‌عنوان جایگزین رویکرد آماری تجربی با گفتمان هنجاری در نظر گرفته می‌شود (Goldenberg 2005). به بیان دیگر، «شواهد» به‌جای توسل به ارزش‌های صریحی که مورد پذیرش همگان قرار ندارند، حتی به‌عنوان داوری برای ادعاهای رقیب در نظر گرفته شده است.

از این رو، اگر بخواهیم به اخلاق داوری و همترازخوانی به شیوه شاهدمحور عینی و برای بهبود تصمیم‌گیری در مجله پردازیم، از میان مؤلفه‌های اصلی و زیرمؤلفه‌های آن، که پیش‌تر یاد شد، در اسناد داوری «پژوهشنامه» تنها از این دو مؤلفه اصلی می‌توان برای بررسی عینی و شاهدمحور رعایت اخلاق داوری و همترازخوانی استفاده کرد. برای نمونه، در مؤلفه «رعایت محرمانگی» که از داوران و همترازخوانان انتظار می‌رود «از ایجاد ضرر یا بی‌اعتباری دیگران از طریق فاش کردن اطلاعات محرمانه پرهیز کنند» و «فرایند و جزئیات داوری را فاش نکنند»، با این حال، شواهدی در سامانه و اسناد داوری «پژوهشنامه» نمی‌توان یافت که داوران چنین کاری را انجام داده یا نداده باشند. این قضیه برای دیگر مؤلفه‌های اصلی و زیرمؤلفه‌های آن نیز که در پژوهش «رجبعلی بگلو» و همکارانش (۱۳۹۸) آمده، صادق به نظر می‌رسد. از این رو، و بر پایه آنچه که پیش‌تر اشاره شد، می‌توان پرسش پژوهش را به شرح زیر مطرح کرد:

وضعیت پای‌بندی به مؤلفه‌های اخلاق همترازخوانی در دو مؤلفه اصلی «پابندی به زمان داوری» و «ارائه پیشنهادهای سازنده و عینی» در قلمروهای موضوعی «پژوهشنامه» چگونه است؟

1. evidence based

2. standard reason of practice

۲. پیشینه پژوهش

افزون بر آنچه که درباره پژوهش «رجبعلی بگلو» و همکارانش^۱ (۱۳۹۸) اشاره شد که به صورت مورد پژوهی به بررسی اسناد داوری «پژوهشنامه» پرداخته‌اند، پژوهش‌های گوناگونی در ارتباط با فرایند همترازخوانی و تأثیر آن بر بهبود همترازخوانی انجام شده است. برای نمونه، «کالس» و همکارانش تأثیر ارسال نتایج همترازخوانی مقاله‌های رد شده به مجله جدید در کاهش حجم بار پدیدآوران، همترازخوانان و سردبیران را بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بیشتر سردبیران، تأثیر بالقوه این عمل را در تسریع همترازخوانی و پذیرش مقاله و انتشار آن مثبت دانستند (Cals et al. 2013). پژوهش‌ها تنها به نظام همترازخوانی محدود نشده است و برخی مانند «پاتل» به ضرورت آموزش و تخصصی‌سازی در فرایند همترازخوانی اشاره کرده‌اند. وی در این مطالعه با تکنیک کنترل تصادفی همترازخوانان، کیفیت عملکرد آن‌ها را ارزیابی کرده و نتیجه گرفته که آموزش همترازخوانان در کنار ارزیابی دوره‌ای عملکرد آن‌ها می‌تواند بسیاری از دشواری‌های همترازخوانی مجله‌های پزشکی را کاهش دهد (Patel 2014). بنابراین، می‌توان گفت که همترازخوانی هر اثر، فرایندی خطی نیست و دربرگیرنده‌ی ذی‌نفعان گوناگونی است که هر کدام خواسته، انتظار و سوگیری ویژه خود را دارند.

یکی از انتقادهایی که به همترازخوانی وارد شده، این است که همراستایی و سازگاری میان همترازخوانی و کیفیت چندان امیدوارکننده نیست. از این رو، به باور Hames (2007, 3) شواهد ناچیزی برای پشتیبانی همترازخوانی به عنوان سازوکاری برای تأمین کیفیت نشر علمی وجود دارد. یا به باور Ware (2008)، بر خلاف گستره استفاده و هزینه‌های همترازخوانی، شواهد تجربی ناچیزی برای پشتیبانی آن از تأمین کیفیت پژوهش‌های زیست‌پزشکی وجود دارد. البته، پاسخ‌هایی که برای این دست انتقادات مطرح شده، از جنس رفع این دغدغه به‌شمار نمی‌روند و بیشتر به تصور ناشدنی بودن همترازخوانی، به‌ویژه در مجله‌های علمی حکایت دارد (Laine and Mulrow در Hames 2007, 2). به بیان دیگر، بیشتر این انتقادات به کاستی‌ها و ضعف‌های ذاتی همترازخوانی بازمی‌گردد و به‌واقع، تلاش‌هایی را که برای بازتولید شایسته همترازخوانی انجام شده،

۱. اشاره به این نکته ضروری است که در پژوهش «رجبعلی بگلو» و همکارانش، اسناد همترازخوانی از نظر «رعایت نکردن یا بی‌توجهی به «اخلاق همترازخوانی» بررسی شد؛ در حالی که در پژوهش حاضر، «رعایت یا توجه» به اخلاق همترازخوانی مدنظر قرار گرفت.

پرننگ می‌سازد و شاید نتواند چشم‌انداز روشنی برای رفع آن ترسیم کند. از این رو، برخی همچون پژوهشگران مهم‌ترین کاستی‌های فرایند همترازخوانی را ناتوانی آن در کشف و کاستن از دشواری‌های قانونی و اخلاقی می‌دانند (Benos et al., in Souder 2011) و برخی نیز همچون Armstrong (1997) خطر جدی تأثیر همترازخوانی بر نوآوری و کیفیت آثار و انصاف^۱ در پژوهش را مطرح می‌کنند. از سوی دیگر، Hames (2007, 2) نیز بر این باور است که همترازخوانی ماهیتی محتاطانه^۲ در تشخیص مقاله‌های مهم و خلاقانه دارد و در هدف‌گیری بدرفتاری‌ها ناتوان است. بنابراین، برخی از این انتقادات به کاستی‌ها و ضعف‌های ذاتی همترازخوانی بازمی‌گردد. این است که به باور برخی از پژوهشگران با وجود این که یکی از وظایف همترازخوانان، تشخیص بدرفتاری‌های علمی در آثار است، اما همترازخوانان به‌ندرت می‌توانند داده‌سازی، تحریف یا گونه‌های دیگری از بدرفتاری را تشخیص دهند. با این حال، «لی» و همکارانش بر این باورند که منصفانه نیست همترازخوانان را به ناتوانی در شناسایی بدرفتاری متهم کنیم، زیرا به‌طور معمول به منابعی همچون داده‌های اولیه پژوهش برای تشخیص داده‌سازی یا جعل نیاز دارند و به‌طور معمول، به آن‌ها دسترسی ندارند. همچنین، تشخیص دستکاری هوشمندانه داده‌ها می‌تواند بسیار دشوار باشد (Lee et al., in Resnik & Elmore 2016).

به نظر «تنت» و همکارانش مسئله زبان جزو چالش‌های عمده همترازخوانی است؛ از این جهت که همترازخوانی پدیدآوران انگلیسی‌زبان در دنیایی که پژوهش‌ها به‌طور فزاینده‌ای در سطح جهانی رقابتی‌تر می‌شوند، می‌تواند منجر به نابرابری جهانی علم شود. این نابرابری به‌خودی‌خود منجر به حذف آثار باکیفیت و نوآوری‌های موجود در این آثار می‌شود که شکستی به دور از آرمان‌های علمی است. بنابراین، این انتقاد بیشتر به «کاستی ذاتی» در همترازخوانی می‌پردازد و شاید نتوان چشم‌انداز روشنی برای رفع آن تصور کرد (Tennant et al. 2017).

از دیگر انتقادهایی که برای همترازخوانی مطرح است، ناهماهنگی در میان توصیه‌های همترازخوانان است. برای نمونه، «راثول و مارتین» در بررسی تکرارپذیری نتایج همترازخوانی دریافتند که توافق میان همترازخوانان برای پذیرش و اصلاح و رد کردن آثار در مجله‌ها متفاوت است (Rothwell & Martyn 2000). بنابراین، برخی از همترازخوانان ممکن است در

خصوص جنبه‌هایی که باید همترازخوانی کنند، مطمئن نباشند یا وقت و دانش مناسبی برای همترازخوانی مقاله‌ها نداشته یا آموزش مناسب و کافی ندیده باشند و تحت تأثیر تعصب شخصی قرار بگیرند (Wagner et al. 2003).

«لی» و همکارانش نیز بر این باورند که پذیرفته یا رد شدن آثار، بیشتر به هم‌رأیی همترازخوان با نتایج اثر بستگی دارد. از دیدگاه آن‌ها، ناهمگرایی‌ها^۱ در همترازخوانی‌های نقادانه آثار می‌تواند تخصص ناکافی همترازخوان یا دشواری‌های واضح نبودن استانداردهای همترازخوانی را نشان دهد و ممکن است این قضیه در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای پررنگ‌تر باشد (Lee et al., in Resnik & Elmore 2016). «پارک، پیسی و مونافو» یکی از دلایل ناهماهنگی گزارش‌های همترازخوانی را ویژگی ذهنی ارزیابی آثار می‌دانند، زیرا همترازخوانان سطوح گوناگونی از تجربه و مفروضات نظری و روش‌شناختی دارند و از آنجا که ارزیابی ذهنی مقاله‌ها بخش مهمی از روند همترازخوانی است، ممکن است کاهش ناهماهنگی دشوار باشد (Park, Peacey and Munafo', in Resnik & Elmore 2016). این نظر با نتایج پژوهش‌های Peters and Ceci, in Resnik & Elmore (2016) هم‌راستا بود. بنابراین، می‌توان دسته دیگری از انتقادها را با کاستی در کارکردهای متصورشده برای همترازخوانی مرتبط دانست. یکی از دلایل مهم برای برپایی همترازخوانی این است که بتواند در تشخیص بدرفتاری‌های علمی سودمند و یاریگر باشد؛ در حالی که از دیدگاه برخی همچون «لی» و همکارانش این‌گونه نیست (Lee et al., in Resnik & Elmore 2016).

در رابطه با دو مؤلفه اصلی پژوهش که «پایبندی به زمان داوری» و «ارائه پیشنهادها سازنده و عینی» است نیز پژوهش‌های محدودی انجام شده است. برای نمونه، تنها پژوهش «هویزمن و اسمیتس» در میان پژوهش‌ها در ارتباط با «ارائه پیشنهادها سازنده و عینی» شناسایی شد. در این پژوهش با بررسی ۳۵۰۰ داده داوری علمی از نظر دور اول و مدت‌زمان کلی بازبینی، زمان رد فوری، تعداد، کیفیت و دشواری گزارش‌های داور، مدت‌زمانی که نویسندگان برای بازبینی و ارسال مجدد مقاله‌شان نیاز دارند، و کیفیت کلی تجربه به بررسی تفاوت میان حوزه‌های موضوعی گوناگون دریافتند که حوزه‌های موضوعی علوم پزشکی، بهداشت عمومی، و علوم طبیعی مدت‌زمان کمتری برای داوری اختصاص دادند و حوزه‌هایی همچون ریاضیات و علوم رایانه، علوم اجتماعی، اقتصاد و تجارت، و علوم

1. divergence

انسانی بیشتر از حوزه‌های یادشده زمان صرف کرده‌اند. همچنین، یک سوم مجله‌ها بیش از ۲ هفته و یک ششم حتی بیش از ۴ هفته برای رد فوری مقاله‌ها طول می‌کشند. این نشان می‌دهد که افزون بر زمانی که داوران صرف می‌کنند، فرایندهای ناکارآمد ویرایشی نیز نقش مهمی در افزایش زمان برای انتشار یک اثر ایفا می‌کنند. همچنین، همان‌طور که انتظار می‌رفت، فرایندهای کوتاه‌تر همترازخوانی و مقالات پذیرفته‌شده توسط نویسندگان امتیاز مثبت‌تری دریافت کردند. نتیجه شگفت‌انگیزتر این بود که فرایندهای همترازخوانی در حوزه‌های موضوعی که فرایندهای طولانی‌تری داشتند، نسبت به حوزه‌هایی که فرایندهای کوتاه‌تری داشتند، رتبه بالاتری کسب کردند. از این رو، رضایت نویسندگان به ظاهر تحت تأثیر انتظارات آن‌ها نسبت به آنچه که در رشته خود رایج است، قرار دارد. افزون بر این، اطلاعات کیفی ارائه‌شده توسط پدیدآوران نشان داد که سردبیران می‌توانند با اتخاذ موضعی مستقل در برابر داوران و با برقراری ارتباط خوب با نویسندگان، رضایت پدیدآوران را افزایش دهند (Huisman & Smits 2017). با این حال، پژوهش‌هایی که در رابطه با مؤلفه «پایبندی به زمان داوری» انجام شده‌اند (از جمله علیدوستی و همکاران ۱۳۸۷؛ ابویی اردکان و میرزایی ۱۳۸۹) بیشتر به دیرکرد در داوری مقاله‌ها اشاره دارند و به بررسی وضعیت رعایت اخلاق همترازخوانی از سوی همترازخوانان نپرداخته‌اند.

در برخی موارد، جامعه علمی نیازمند تسریع در زمان داوری در پژوهش‌های یک حوزه خاص است؛ چرا که نتایج آن پژوهش‌ها ممکن است موجب انقلابی در آن حوزه شده و برای بشر کارگشا باشد. به‌عنوان نمونه مطالعه‌ای که در مورد زمان همترازخوانی مقاله‌های مربوط به کووید-۱۹ میان ۱۶ مجله پزشکی انجام شد، نشان داد که متوسط زمان ارسال تا پذیرش نهایی مقاله در مطالعات مرتبط با کوید-۱۹ بیش از ۸ برابر سریع‌تر از مقاله‌های دیگر موضوع‌ها در این مجله‌ها بوده و این میزان برای مقالات مرتبط با کووید-۱۹ در مجلات آنلاین بیش از ۶ برابر دیگر موضوع‌هاست (Barakat et al. 2020). نگاهی کلی به پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که افزون بر این که در این پژوهش‌ها به مفهوم و کارکرد اخلاق داوری کمتر توجه شده، به‌صورت ویژه بر روی مسئله اخلاق داوری و مؤلفه‌های تأثیرگذار در آن نیز متمرکز نبوده‌اند و بیشتر بر روی فرایند داوری و تأثیر داوری در آثار علمی مجله‌های علمی تأکید داشته‌اند. برای نمونه، «ابویی اردکان و میرزایی» در مقاله خود موضوع داوران و اخلاق داوری را بررسی کردند و دریافتند که طولانی‌بودن زمان داوری مهم‌ترین مشکل مجله‌های علمی ایران

است (۱۳۸۹). از سوی دیگر، برخی از پژوهش‌ها بر تأثیر داوری بر کیفیت مقاله‌ها تأکید داشته‌اند. برای نمونه «علیدوستی» و همکارانش بر طولانی بودن زمان داوری به‌عنوان یکی از مشکل‌های مورد توجه سردبیران در ایران اشاره داشتند (۱۳۸۷). جدا از پژوهش‌هایی که به ماهیت همترازخوانی نقد‌هایی وارد دانسته‌اند یا آن را چندان که لازم به نظر می‌رسد موفق نمی‌دانند، هیچ راهکار جایگزینی برای همترازخوانی ارائه نشده و تأثیر این فعالیت علمی بر پیشرفت دانش، روشن و مهم بوده است. همچنین، اهمیت همترازخوانی در تصمیم‌گیری برای سردبیران و رعایت اخلاق همترازخوانی در بهبود آن حکایت دارد.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به‌صورت موردپژوهی^۱ و با رویکرد آمیخته^۲ و از نوع موازی اکتشافی (کیفی و کمی) و با وزن یکسان و با پایه کیفی و کمی انجام شده است. مطالعه حاضر از این نظر موردپژوهی است که اسناد همترازخوانی «پژوهشنامه» بررسی و تحلیل محتوا شده است. همچنین، این مقاله از نوع شاهدمحور نیز محسوب می‌شود که این نوع شواهد علمی برای راهنمایی یا تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌شوند. یکی از مزیت‌های پرداختن به اخلاق شاهدمحور^۳ این است که رابطه میان هنجارهای اخلاقی و واقعیت‌ها بهتر مورد توجه قرار می‌گیرد و انعکاسی بافت‌محور فراهم می‌کند (Strech 2008). بنابراین، به نظر می‌رسد هنگامی که از «شاهدمحوری» در پژوهش سخن به میان می‌آید، لازم باشد داده‌های واقعی از بستر ابزارهای موجود در همترازخوانی ارائه شود. از این رو و با توجه به این که بازه زمانی برای مؤلفه «پایبندی به زمان داوری» در همترازخوانی به‌عنوان شاهدی کمی و مؤلفه «ارائه پیشنهاد‌های عینی و سازنده» از میان گزارش‌ها و فایل‌های داوری به‌عنوان شاهدی کیفی برای رعایت اخلاق همترازخوانی در «پژوهشنامه» در نظر گرفته شد، مؤلفه‌های اصلی پژوهش حاضر را شکل دادند.

پژوهش حاضر چند واحد تحلیل (اسناد و فرایند همترازخوانی در دو مؤلفه ارائه پیشنهاد‌های عینی و سازنده و پایبندی به زمان در اخلاق همترازخوانی) را مورد توجه قرار داده است و نوعی موردپژوهشی تک‌موردی است. روش کیفی مورد استفاده با رویکرد تحلیل محتوای قیاسی یا جهت‌دار^۴ اسناد همترازخوانی انجام شد. این روش را معمولاً بر پایه

1. case study

2. mixed method

3. evidence based ethics (EBE)

4. directed coding

روش قیاسی متکی بر نظریه، چارچوب نظری یا الگو به کار می‌گیرند و برای معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی نظریه، چارچوب نظری یا الگو استفاده می‌شود. این رویکرد نسبت به دیگر رویکردهای تحلیل محتوا از فرایند ساختارمندتری برخوردار است. با به کار بردن نظریه، چارچوب نظری یا یک الگو، پژوهشگران کار خود را با شناسایی مفاهیم اصلی برای طبقه‌بندی کدهای اولیه آغاز می‌کنند. سپس، تعریف‌های عملیاتی برای هر مقوله با استفاده از آن نظریه، چارچوب نظری یا الگو مشخص می‌شود. یافته‌های به دست آمده از این روش تحلیل می‌تواند پیشنهادهایی برای حمایت یا عدم حمایت از آن نظریه، چارچوب نظری یا الگو داشته باشد (ایمان و نوشادی ۱۳۹۰). در گام نخست، فرایند هم‌ترازخوانی در «پژوهشنامه» و مراحل انجام آن مشخص شد. سپس، موارد استخراج شده از منظر «رعایت با توجه به» اخلاق هم‌ترازخوانی و بر پایه مؤلفه‌های ارائه شده در پژوهش «رجبعلی بگلو» و همکاران (۱۳۹۸) تحلیل محتوای کیفی شدند. مؤلفه‌های اخلاق دربرگیرنده دو مؤلفه اصلی «پایبندی به زمان داوری» دربرگیرنده مؤلفه فرعی «انجام هم‌ترازخوانی در چارچوب زمانی مجله» و مؤلفه اصلی «ارائه پیشنهادهای عینی و سازنده» دربرگیرنده مؤلفه‌های فرعی «بیان دیدگاه درباره کیفیت اثر و دقت نظر نویسندگان»، «ارائه بازخوردهای مفید و سازنده برای افزایش وضوح اثر»، «پیشنهاد عینی برای بهبود تحلیل‌های بیشتر در اثر»، «درخواست شواهد پشتیبان از نویسندگان برای ادعاهای مطرح شده» و «ارائه پیشنهادهای بر پایه دلایل علمی و فنی معتبر» بود. برای نمونه، برای مؤلفه اصلی «ارائه پیشنهادهای عینی و سازنده» در زیرمؤلفه «درخواست شواهد پشتیبان از نویسندگان برای ادعاهای مطرح شده» یک نمونه از شواهد به دست آمده به شرح زیر درج می‌شود:

{... «با توجه به گسترش روزافزون... و نقش تأثیرگذار آن در ارتباطات علمی... در مجموع، حدود ۳۰۰ میلیون دلار از سوی... طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ به‌عنوان هزینه انتشار مقاله دریافت شده است (که نیاز به منبع دارند)... در خصوص شاخص تعداد استناد، مسلماً مجله‌های منتشرکننده مقاله‌های بیشتر، تعداد استناد بیشتری نیز دریافت کرده‌اند» آیا از نظر آماری این رابطه معنا دار است؟ در ضمن، برای این ادعا منبع ارائه شود...}

برای دیگر زیرمؤلفه‌های این مؤلفه اصلی نیز شواهدی به شرح زیر می‌آید:

۱. برای مشخص شدن بخش مهم‌تر، «درخواست شواهد پشتیبان» به حالت زیرخط‌دار مشخص شده است.

نمونه‌ای برای زیر مؤلفه «بیان دیدگاه درباره کیفیت اثر و دقت نظر نویسندگان»:

{... مقاله روش عملی جهت تجمیع داده‌ها در فرایند ... با استفاده از ... ارائه داده است دارای نوآوری خوب می‌باشد و بر روی نمونه عملی در کشور تست شده است از نظر خبرگان نیز استفاده شده است و کیفیت بالایی برای چاپ در مجله برخوردار است ... }

نمونه‌ای برای زیر مؤلفه «ارائه بازخوردهای مفید و سازنده برای افزایش وضوح اثر»:

{... درباره ... مبهم هست بحث توضیح شفاف و دقیق تری لازم است، برای مخاطب پژوهش. این ابهام‌زدایی و دقت در بخش روش و یافته‌ها باید بیشتر باشد ... }

نمونه‌ای برای زیر مؤلفه «پیشنهاد عینی برای بهبود تحلیل‌های بیشتر در اثر»:

{... تحلیل نتایج و آزمایش‌ها لازم است که روی مقادیر مختلف پارامترهای مسئله انجام شود. مثلاً با تغییرات ... چه اتفاقی می‌افتد؟ تحلیل حساسیت روی ... با مجموعه داده‌های مختلف می‌تواند مفید باشد ... }

نمونه‌ای برای زیر مؤلفه «ارائه پیشنهادها بر پایه دلایل علمی و فنی معتبر»:

{... ذیل معیارها توضیحات اختصار یابد و اینجا تحلیل‌ها غنی گردد. مثال تحلیل شود که هر یک از معیارهای ... در یک کشور خاص برای نمونه، چه کارکردی داشته است و چگونه به انتخاب منتهی گردیده است. یا این که گفته شود اصل قرار گرفتن این معیار (مثل ...) ممکن است چه تبعات فرهنگی یا اجتماعی نیز داشته باشد ... }

همان‌گونه که از شواهد ارائه‌شده در بالا می‌توان درک کرد، زیر مؤلفه‌های یادشده

در مؤلفه اصلی «ارائه پیشنهاد‌های عینی و سازنده» با در نظر گرفتن این نکته که این

شواهد برگرفته از اسناد داوری این مجله به دست آمده، می‌تواند نمونه‌هایی را برای تحلیل

محتوای قیاسی / جهت‌دار مبتنی بر چارچوب نظری یادشده فراهم نماید.

اشاره به این نکته ضروری است که اسناد همترازخوانی دربرگیرنده فایل‌های

همترازخوانی و نیز دربرگیرنده گزارش‌ها و فایل‌های همترازخوانی بودند که توسط

همترازخوانان به سامانه «پژوهشنامه» ارسال شده بود. گزارش داوری که توسط مدیر

اجرایی «پژوهشنامه» و برای ارزیابی کار داوران تهیه می‌شد، دربرگیرنده خلاصه دیدگاه

نهایی داوران، پذیرش یا عدم پذیرش، دقت داوری، سرعت داوری و در بعضی از موارد نتیجه، بررسی مدیر اجرایی مجله بود. فایل داوری نیز در برگرفته فایل اصلی مقاله نویسنده همراه با تغییرهای اعمال شده و یادداشت‌های داور بر روی متن در «مایکروسافت آفیس ورد» بود و در این بخش از تحلیل محتوا با تبدیل این فایل‌ها به «پی‌دی‌اف»، در نرم‌افزار تحلیل محتوای کیفی «مکس کیودی‌ای»^۱ نسخه ۲۰۲۰ وارد شد. بازه زمانی این گزارش‌ها از مهر ۱۳۹۶ تا آذر ۱۳۹۸ را در برمی گرفت و تعداد ۳۴۰ سند تحلیل محتوا شدند که جزئیات آن در جدول ۱، آمده است.

جدول ۱. تعداد گزارش‌ها و فایل‌های همترازخوانی بررسی شده در تحلیل محتوای کیفی

سال	تعداد گزارش‌های همترازخوانی	تعداد فایل‌های همترازخوانی	مجموع
۹۶	۶۰	۵۱	۱۱۱
۹۷	۹۱	۱۰۵	۱۹۶
۹۸	۱۵	۱۸	۳۳
مجموع کل	۱۶۶	۱۷۴	۳۴۰

«پژوهشنامه» در ۵ قلمرو موضوعی (شامل «جامعه و اطلاعات»، «فناوری و اطلاعات»، «پردازش و اطلاعات»، «انسان و اطلاعات» و «دیگر زمینه‌ها») فعالیت می‌کند و دو نظام ارزیابی (شامل «ارزیابی اولیه» که توسط اعضای هیئت تحریریه انجام می‌شود و «همترازخوانی» که توسط دست‌کم دو فرد متخصص انجام می‌شود) دارد. در مرحله «بررسی اولیه» مقاله‌های دریافت‌شده را تنها از نظر تطابق با هدف‌ها و قلمرو موضوعی و برخی دیگر معیارها بررسی و موافقت یا عدم موافقت با ورود مقاله به فرایند همترازخوانی اعلام می‌شود. در مرحله «همترازخوانی» نیز که از نوع «دوسوپنهان»^۲ است، انتخاب دست‌کم دو همترازخوان از سوی سردبیر یا با مشارکت هیئت تحریریه و پدیدآوران صورت می‌گیرد. به‌طور معمول، همترازخوانان موارد زیر را در این مرحله بررسی و در صورت وجود به آگاهی مجله می‌رسانند:

- ◇ هر گونه برخورد منافع درباره موضوع مقاله یا پدیدآور(ان) اثر؛
- ◇ نبود دانش کافی درباره موضوع اثر؛
- ◇ نبود امکان همترازخوانی در زمان مقرر؛

1. MaxQDA

2. double-blind

◇ دریافت درخواست همترازخوانی همان اثر از سوی نشریه دیگر.

همترازخوانان، مقاله را بر پایه فرم همترازخوانی ارزیابی و نظر خود را اعلام می‌کنند. سردبیر بر پایه نظر همترازخوانان که گاهی همسو و گاهی ناهمسو هستند، نظر خود را مبنی بر پذیرش، عدم پذیرش یا اصلاح اعلام می‌کند. در صورت عدم پذیرش، دلایل برای پدیدآور مسئول ارسال می‌شود. همچنین، در صورت نیاز به اصلاح، از نویسندگان خواسته می‌شود اصلاح‌های خواسته‌شده را همراه با یادداشتی مبنی بر اعمال یا دلایل عدم امکان اعمال آن‌ها به شکل مستدل ارسال کند. پس از آن، سردبیر از یکی از همترازخوانان (یا در مواردی از هر دو همترازخوان) می‌خواهد درباره کیفیت مقاله پس از اصلاح، اعلام نظر کنند.

اشاره به این نکته ضروری است که در این پژوهش از دو نوع زاویه‌بندی^۱ بازیمن/ پژوهشگر^۲ و روش‌شناختی^۳ برای اعتبار یافته‌های پژوهش استفاده شد. نخستین زاویه‌بندی، زاویه‌بندی بازیمن/ پژوهشگر بود که از بیش از دو بازیمن/ پژوهشگر در تیم پژوهش برای افزایش اعتبار پژوهش استفاده شد.^۴ دومین زاویه‌بندی نیز زاویه‌بندی روش پژوهش بود که از دو روش‌شناسی کیفی (تحلیل محتوای قیاسی جهت‌دار) و کمی (متوسط‌زمان یا تعداد روز همترازخوانی) برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. برای رعایت محرمانگی و بی‌نام‌سازی اسناد، نام همترازخوانان و پدیدآوران و سایر اجزای افشاکننده هویت آنان حذف شد.

۴. یافته‌های پژوهش

بر پایه آنچه که در پرسش پژوهش اشاره شد، وضعیت پایبندی همترازخوانان به مؤلفه‌های اخلاق همترازخوانی در دو بُعد «پایبندی به زمان داوری» و «ارائه پیشنهادها سازنده و عینی» در ادامه بررسی و تحلیل شده است. نخست باید اشاره کرد که در بازه زمانی پژوهش، تعداد ۲۸۴ مقاله همترازخوانی شده است. برخی از مقاله‌ها بیش از ۴ مرتبه مورد بازیمنی نویسنده بوده و دوباره در فرایند همترازخوانی قرار گرفتند. مدت‌زمان همترازخوانی از تفاوت بین تاریخ ارسال مقاله برای همترازخوان تا تاریخ ثبت نظر

1. triangulation

2. investigator/ researcher

3. research method

۴. در این پژوهش، ۳ نفر حضور داشتند که از ۲ نفر آن‌ها برای زاویه‌بندی پژوهشگر در تحلیل محتوای کیفی استفاده شد.

همترازخوان در سامانه به دست آمده است. در مواردی که تاریخ ارسال و تاریخ ثبت نظر همترازخوان در یک تاریخ بوده است، مدت زمان همترازخوانی، یک روز در نظر گرفته شده است. در فرایند همترازخوانی هنگامی که مدت زمان همترازخوانی به درازا بکشد، نامه یادآوری برای همترازخوان ارسال می‌شود و در مواردی نیز همترازخوان تغییر کرده و به همترازخوان نخست اطلاع داده می‌شود که نیازی به ادامه همترازخوانی نیست. از آنجا که پس از اولین مرحله از همترازخوانی، بررسی مقاله توسط همترازخوان به‌طور معمول محدود به بررسی اصلاحات مورد نظر همترازخوان بوده است، مدت زمان همترازخوانی در مراحل بعدی به مراتب کوتاه‌تر از اولین مرحله همترازخوانی است.

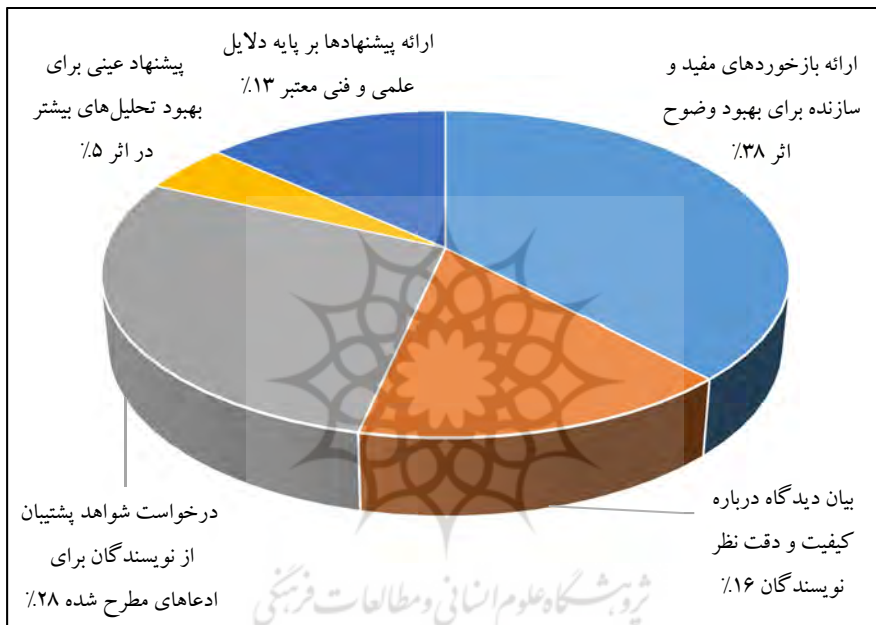
در تحلیل مدت زمان همترازخوانی‌ها، کمترین مدت زمان همترازخوانی، یک روز (۷۰ مورد) و بیشترین مدت زمان ۳۱۰ روز (یک مورد) بوده است. جدول ۲، تعداد همترازخوانی‌ها و متوسط زمان آن را در هر یک از قلمروهای موضوعی نشریه در بازه زمانی مورد بررسی نشان می‌دهد.

جدول ۲. تعداد و متوسط زمان همترازخوانی در قلمروهای موضوعی «پژوهشنامه»

قلمرو	تعداد همترازخوانی (مقاله)					متوسط مدت زمان همترازخوانی (روز)				
	کل	مرحله ۱	مرحله ۲	مرحله ۳	مرحله ۴ و بیشتر	کل	مرحله ۱	مرحله ۲	مرحله ۳	مرحله ۴ و بیشتر
انسان و اطلاعات	۵۴	۴۴	۹	۱	۰	۲۶/۶۱	۲۸/۸۶	۱۷/۲۲	۱۲/۰۰	-
پردازش اطلاعات	۲۱۴	۱۴۹	۴۱	۱۸	۶	۳/۴۹	۳۳/۹۷	۲۵/۷۶	۱۵/۲۲	۲۲/۳۳
جامعه و اطلاعات	۴۵	۳۳	۱۱	۱	۰	۲۴/۴۷	۲۸/۸۲	۹/۵۵	۴۵/۰۰	-
فناوری اطلاعات	۴۴۱	۳۱۲	۸۵	۳۰	۱۴	۲۷/۳۲	۳۰/۳۴	۲۲/۶۷	۲۰/۰۷	۳/۷۹
دیگر زمینه‌ها	۳۲	۲۵	۶	۱	۰	۲۷/۵۶	۲۶/۷۲	۳۵/۵۰	۱/۰۰	-
مجموع	۷۸۶	۵۶۳	۱۵۲	۵۱	۲۰	۲۷/۹۸	۳۰/۹۳	۲۲/۷۴	۱۸/۳۱	۹/۳۵

همان‌طور که در جدول ۲، آمده، بیش از نیمی از مقاله‌های ارسالی به «پژوهشنامه» مربوط به موضوع فناوری اطلاعات است و قلمرو موضوعی جامعه و اطلاعات و دیگر زمینه‌ها کمترین میزان مقاله‌های ارسالی نویسندگان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، متوسط مدت زمان همترازخوانی در این نشریه کمتر از ۲۸ روز است که این میزان در مقاله‌ها مربوط به موضوع پردازش اطلاعات به بیش از ۳۰ روز رسیده و در قلمرو جامعه و اطلاعات کمترین زمان صرف همترازخوانی مقاله‌ها می‌شود. با این حال، همان‌طور که

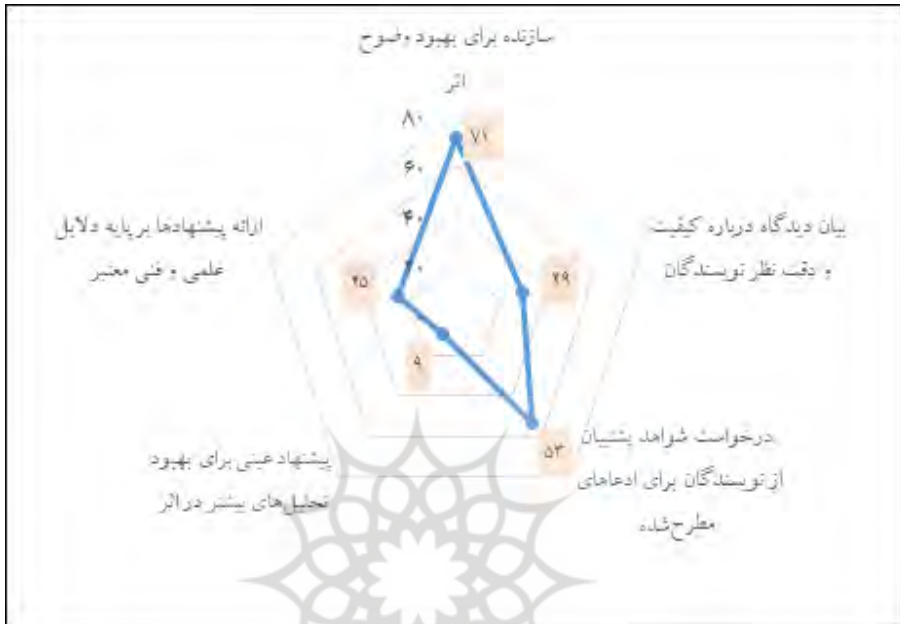
در شکل ۱، مشاهده می‌شود، صرف نظر از انجام همترازخوانی در مراحل بالا که تعداد آن‌ها اندک است، به نظر نمی‌رسد که تفاوت معناداری در مدت‌زمان همترازخوانی بین قلمروهای موضوعی پنج‌گانه نشریه وجود داشته باشد. همچنین، نگاهی به یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل محتوای کیفی (قیاسی)، اسناد همترازخوانی نشان می‌دهد که در پنج زیرمؤلفه «ارائه پیشنهادهاى عینی و سازنده»، همترازخوانان چگونه عمل کرده‌اند (شکل ۱).



شکل ۱. میزان (درصد) زیرمؤلفه‌های اخلاقی «ارائه پیشنهادهاى عینی و سازنده» میان همترازخوانان «پژوهشنامه»

نگاهی به نمودار بالا نشان می‌دهد که میان پنج زیرمؤلفه اخلاقی، به‌ترتیب، زیرمؤلفه «ارائه بازخوردهای مفید و سازنده برای بهبود وضوح اثر» و «درخواست شواهد پشتیبان از نویسندگان برای ادعاهای مطرح‌شده» بیشتر از دیگر زیرمؤلفه‌ها رعایت یا توجه شده بود. همچنین، زیرمؤلفه‌های «بیان دیدگاه درباره کیفیت و دقت نظر نویسندگان» و «پیشنهاد عینی برای بهبود تحلیل‌های بیشتر در اثر» در ادامه، توسط همترازخوانان رعایت یا توجه شده است و زیرمؤلفه «ارائه پیشنهادها بر پایه دلایل علمی و فنی معتبر» کمترین میزان را در میان زیرمؤلفه‌های این بُعد از اخلاق همترازخوانی به خود اختصاص داده است.

همچنین، نگاهی به تحلیل شکاف رعایت‌ها یا توجه‌ها به مؤلفه‌های اخلاق همتراز خوانی در پنج زیرمؤلفه یادشده را می‌توان در شکل ۲، مشاهده کرد.



شکل ۲. نمودار تحلیل شکاف زیرمؤلفه‌های اخلاقی «ارائه پیشنهادهای عینی و سازنده» میان همتراز خوانان «پژوهشنامه»

نگاهی به نمودار بالا نشان می‌دهد که فراوانی رعایت یا توجه به زیرمؤلفه‌های «پیشنهاد عینی برای بهبود تحلیل‌های بیشتر در اثر» و «ارائه پیشنهادها بر پایه دلایل علمی و فنی معتبر» کمتر از دیگر زیرمؤلفه‌ها بود و همتراز خوانان به سمت دیگر زیرمؤلفه‌های اخلاق همتراز خوانی گرایش داشتند. جدول ۳، جزئیات بیشتری از رعایت یا توجه به اخلاق همتراز خوانی در قلمروهای موضوعی را ارائه می‌کند.

جدول ۳. رعایت یا توجه به زیرمؤلفه‌های اخلاق همترازخوانی در قلمروهای موضوعی «پژوهشنامه»

قلمرو	فراوانی مقاله‌ها	فراوانی رعایت یا توجه به زیرمؤلفه‌ها	میانگین
جامعه و اطلاعات	۹	۱۳	۱/۴
فناوری و اطلاعات	۸۱	۸۸	۱/۱
پردازش اطلاعات	۳۶	۴۳	۱/۲
انسان و اطلاعات	۱۲	۱۷	۱/۴
دیگر زمینه‌ها	۴	۳	۰/۸
فاقد قلمرو ^۱	۲۴	۲۳	۱/۰
مجموع قلمروها	۱۶۶	۱۸۷	-

نگاهی کلی به داده‌های ارائه‌شده در جدول بالا نشان می‌دهد که میان قلمروهای موضوعی پنج‌گانه، در دو قلمرو «جامعه و اطلاعات» و «انسان و اطلاعات» به‌صورت میانگین بیش از سایر قلمروها مؤلفه‌های اخلاق همترازخوانی در بُعد «ارائه پیشنهاد‌های سازنده و عینی» رعایت یا توجه شده است. همان‌گونه که در جدول ۳، می‌توان به‌وضوح دید، در این بُعد «دیگر زمینه‌ها»، «فناوری اطلاعات» و «پردازش اطلاعات» به‌ترتیب، کمترین میزان رعایت یا توجه را میان همه زیرمؤلفه‌های اخلاق همترازخوانی به خود اختصاص داده‌اند. به نظر می‌رسد که این امر را می‌توان به ماهیت حوزه موضوعی و مقاله‌های آن، و همترازخوانان مرتبط با این حوزه‌های موضوعی مرتبط دانست. به بیان دیگر، همترازخوانان در قلمروهای موضوعی گوناگون فنی، رفتار یا کنش یکسان و مشابهی نسبت به حوزه‌های موضوعی علوم انسانی نداشتند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

داوری و همترازخوانی یک اثر علمی نقش اساسی در بهبود برون‌دادهای آن دارد. بررسی و پایش دقیق وضعیت رعایت یا توجه به همه مؤلفه‌های اخلاق همترازخوانی شدنی نیست، زیرا برخی از این مؤلفه‌ها با بافت ویژه‌ای ارتباط پیدا می‌کنند. افزون بر

۱. قلمرو این مقاله‌ها میان داده‌ها در سامانه مجله مشخص نشده است.

۲. اشاره به این نکته ضروری است که تعداد ۱۶۶ گزارش همترازخوانی از میان ۲۸۴ مقاله همترازخوانی شده به این معناست که برخی از مقاله‌های همترازخوانی شده، گزارش همترازخوانی نداشتند.

این، بررسی همه‌ای مؤلفه‌ها را نمی‌توان تنها در اسناد همترازخوانی یک مجله دنبال کرد و از میان همه‌ی مؤلفه‌های اخلاقی دو مؤلفه‌ی اصلی «پایبندی به زمان داوری» و «ارائه‌ی پیشنهادهای سازنده و عینی» را می‌توان در چارچوب بررسی اسناد همترازخوانی دنبال کرد. از این رو، در این پژوهش فرایند همترازخوانی در «پژوهشنامه» بررسی شد و گزارش‌ها و فایل‌های همترازخوانی از نظر رعایت یا توجه به این دو مؤلفه‌ی اخلاقی در قلمروهای پنج‌گانه «پژوهشنامه» بررسی شد.

نتایج ارزیابی بُعد «پایبندی به زمان داوری» در همترازخوانی نشان داد که متوسط مدت‌زمان همترازخوانی در این مجله کمتر از ۲۸ روز است. با توجه به پژوهش «ابویی اردکان و میرزایی» (۱۳۸۹) و «علیدوستی» و همکارانش (۱۳۸۷) مبنی بر طولانی بودن فرایند داوری در مجله‌های کشور، که گاه تا چندین ماه و در برخی موارد بیش از یک سال طول می‌کشد، در مجلات خارجی نیز یک سوم مجلات پس از ۲ هفته و یک ششم مقالات پس از ۴ هفته اقدام به رد کردن مقاله در گام اول ارزیابی می‌کنند (Huisman & Smits 2017)، از این رو، با توجه به زمان متوسط ۲۸ روز (که شامل مقالات پذیرفته‌شده و رد شده است)، سرعت داوری در این نشریه مناسب به نظر می‌رسد. طبیعی است که این میزان در مرحله‌ی نخست همترازخوانی، بیشتر (کمی بیش از یک ماه) و در مراحل بعدی کمتر است. صرف نظر از انجام همترازخوانی در مراحل بالا که تعداد آن‌ها اندک است، تفاوت قابل توجهی در مدت‌زمان همترازخوانی در بین قلمروهای موضوعی پنج‌گانه «پژوهشنامه» وجود ندارد. گرچه ارزیابی (Huisman & Smits 2017) نشان از اختلاف در زمان همترازخوانی در بین حوزه‌های مختلف دارد، اما از آنجا که اختلاف بین قلمروهای این نشریه اندک است و همگی مربوط به حوزه‌ی فناوری اطلاعات هستند، اختلاف معناداری در زمان همترازخوانی قلمروهای مختلف این نشریه دیده نشد. از این رو، با وجود آنکه در قلمروهای گوناگون از همترازخوانان مختلف استفاده شده است، یکی از دلایل نبود اختلاف چشمگیر در مدت‌زمان همترازخوانی قلمروهای مختلف، نظارت و مدیریت سردبیر و گروه اجرایی روی کار داوران و همچنین تولید و ارائه‌ی کارنامه‌ی سالانه‌ی داوری است که موجب خودارزیابی و خودکنترلی در میان همترازخوانان شده است.

همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان داد (شکل ۱)، در بُعد «ارائه‌ی پیشنهادهای عینی و سازنده» نیز گرایش همترازخوانان به رعایت یا توجه به زیرمؤلفه‌های اخلاقی به «ارائه‌ی بازخوردهای مفید و سازنده برای بهبود وضوح اثر» با ۳۸ درصد و «درخواست

شواهد پشتیبان از نویسندگان برای ادعاهای مطرح شده» با ۲۸ درصد موارد، بیشتر از دیگر زیرمؤلفه‌ها بود. همچنین، زیرمؤلفه «ارائه پیشنهادها بر پایه دلایل علمی و فنی معتبر» با ۱۳ درصد کمترین میزان رعایت یا توجه را در میان زیرمؤلفه‌های این بُعد به خود اختصاص داد.

اشاره به این نکته ضروری است که دست کم از داده‌های گردآوری شده از سامانه به کار گرفته شده در «پژوهشنامه»، تنها این دو بُعد از مؤلفه‌های اخلاق همترازخوانی را می‌توان مورد توجه قرار داد و بررسی و پایش کرد. برای بررسی و پایش برخی از مؤلفه‌ها لازم است اقدام‌ها و فعالیت‌هایی صورت پذیرد. برای نمونه، آموزش همترازخوانان برای رعایت و توجه به مؤلفه‌های اخلاق همترازخوانی یکی از این فعالیت‌هاست که Callaham (2003)، (2003)، (Wagner et al. (2003)، Patel (2014) و به‌ویژه Committee On Publication Ethics (COPE) (2017) بر آن تأکید کرده‌اند. بنابراین، می‌توان رعایت و توجه به مؤلفه‌های اخلاقی را با تأکید بر بافت ویژه‌ای که در این مجله حاکم است، به همه داوران آموزش داد تا بهبود و ارتقای ویژه و مناسبی در همترازخوانی همترازخوانان اتفاق بیفتد. همچنین، می‌توان تأثیر آموزش به همترازخوانان را در عملکرد آن‌ها از نظر رعایت و توجه به مؤلفه‌های اخلاق همترازخوانی در پژوهشی دیگر دنبال کرد.

از نظر بهبود تصمیم‌گیری سردبیر یا هیئت تحریریه «پژوهشنامه» می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر از دو دیدگاه به بهبود تصمیم‌گیری یاری رساند. نخست این که از بُعد «پایبندی به زمان داوری» به نظر می‌رسد رعایت یا توجه به همترازخوانی اخلاقی میان قلمروهای موضوعی پنج‌گانه یادشده در این مجله از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار باشد. البته، رعایت این مؤلفه اخلاقی می‌تواند تحت تأثیر زیست‌بوم یا فرایند اجرایی این مجله قرار داشته باشد. برای نمونه، این امر که از سوی مدیر اجرایی، سردبیر یا به‌صورت خودکار از سوی سامانه مجله، پیام‌هایی برای یادآوری همترازخوانی ارسال می‌شود، می‌تواند یکی از دلایل‌هایی باشد که به این نتایج رهنمون شده است. همچنین، همترازخوانانی که در این مجله انتخاب شده‌اند و بافت میان‌رشته‌ای این مجله نیز می‌تواند یکی دیگر از دلایل‌ها به‌شمار آید. اما، نکته مهم و شایسته توجه اینکه در بُعد «ارائه پیشنهادها سازنده و عینی» میان قلمروهای موضوعی از این نظر تفاوت قابل توجهی وجود دارد. به بیان دیگر، همترازخوانان در قلمروهای موضوعی پنج‌گانه نسبت به همه زیرمؤلفه‌های بُعد «ارائه پیشنهاد عینی و سازنده» یکسان عمل نکرده‌اند. همان‌گونه که

پیش‌تر نیز اشاره شد، این قضیه می‌تواند به ماهیت مقاله‌های این قلمروهای موضوعی و البته، دانش موضوعی و سواد اخلاقی هم‌تراز خوانان در این قلمروها پیوند داشته باشد. البته، پژوهش در این زمینه به بررسی‌های بیشتری نیازمند است که در دامنه پژوهش حاضر نمی‌گنجد. می‌توان پژوهش‌هایی را ترتیب داد که افزون بر داده‌ها و اسناد داوری، یافته‌های شاهدمحوری از بافت مجله که دربرگیرنده همه ذی‌نفعان شامل سردبیر، مدیر اجرایی و اعضای هیئت تحریریه این مجله است، به دست آورد و چارچوب مناسب‌تری برای تصمیم‌گیری در این مجله را فراهم نماید. همچنین، گردآوری شواهد بیشتر مستلزم گردآوری دیدگاه همه ذی‌نفعان و همه اجزای زیست‌بوم این مجله خواهد بود و داده‌های غنی‌تر و گسترده‌تری از همه مؤلفه‌های اخلاق هم‌تراز خوانی را می‌تواند دربر داشته باشد.

فهرست منابع

- ابویی اردکان، محمد، و سید آیت‌ا. میرزایی. ۱۳۸۹. داوران و اخلاق داوری در مجله‌های علمی ایران. فصلنامه اخلاق در علم و فناوری ۵ (۲۱): ۳۶-۴۷.
- ایمان، محمد تقی، و محمودرضا نوشادی. ۱۳۹۰. تحلیل محتوای کیفی. فصلنامه پژوهش ۳ (۲): ۱۵-۴۴.
- رجبعلی بگللو، رضا، نادیا حاجی عزیز، علیرضا تقه‌الاسلامی، المیرا کریمی، و زهرا رجبعلی بگللو. ۱۳۹۸. بررسی اخلاق داوری در مجله‌های علمی ایران: مطالعه موردی تدوین مرامنامه اخلاق داوری در «پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات». تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک).
- کاردان، عباس. مترجم. ۱۳۹۵. جایگاه اخلاق در پژوهش علمی. نوشته عادل شامو و دیوید رزنیک. ۲۰۰۹. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- علیدوستی، سیروس، محمد ابویی اردکان، سید آیت‌ا. میرزایی، و فاطمه شیخ‌شعاعی. ۱۳۸۷. بررسی وضعیت فرایند داوری مقالات در مجلات معتبر علمی ایران. تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک).
- بحرینی، حمیده. مترجم. ۱۳۹۵. درآمدی جدید به فلسفه اخلاق. نوشته هری جی. گنسلر. ۱۹۹۸. ویراستار: مصطفی ملکیان. تهران: آسمان خیال.
- قاسمی، علی حسین، و سیروس آزادی. مترجم. ۱۳۸۹. فرایند داوری در مجلات علمی، تقاضای قوت و ضعف. نوشته آناسی ولر. ۲۰۰۱. تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.

References

- Allen, Heidi, Alexandra Cury, Thomas Gaston, Chris Graf, Hannah Wakley, & Michael Willis. 2019. What does better peer review look like? Underlying principles and recommendations for better practice. *Learned publishing* 32 (2): 163-175.
- Armstrong, J. Scott. 1997. Peer Review for Journals: Evidence on Quality Control, Fairness, and Innovation. *Science and Engineering Ethics* 3(1): 63-84. http://repository.upenn.edu/marketing_papers/104
- Barakat, Amr F., Mohamed A1 Shokr, John A1 Ibrahim, John A1 Mandrola, A1 Elgendy, Y. Islam. 2020. Timeline from receipt to online publication of COVID-19 original research articles. *medRxiv*.1-8. doi: 10.1101/2020.06.22.20137653.
- Benos, D. J. 2006. The ups and downs of peer review. *Advances in Physiological Education*. 31: 145–152. doi:10.1152/advan.00104.2006.
- Callaham, Michael L. 2003. Journal Policy on Ethics in Scientific Publication. *Annals of emergency medicine*. 41:1. 82- 88.
- Cals, Jochen W. L., Christian D. Malen, Liam G. Glynn, Daniel Kotz. 2013. Should Authors Submit Previous Peer-Review Reports When Submitting Research Papers? Views of General Medical Journal Editors. *Annals of Family Medicine* 11 (2): 179-181.
- Cawley, Valentine. 2011. An analysis of the ethics of peer review and other traditional academic publishing practices. *International Journal of Social Science and Humanity* 1 (3): 205–213.
- Committee On Publication Ethics (COPE). 2017. Ethical guidelines for peer reviewers (English). <https://doi.org/10.24318/cope.2019.1.9>
- Goldenberg, Maya. 2005. Evidence-based ethics? On evidence-based practice and the “empirical turn” from normative bioethics. *BMC Medical Ethics* 6 (11): 1-9.
- Hames, Irene. 2007. *Peer Review and Manuscript Management in Scientific Journals Guidelines for Good Practice*. Malden: Blackwell.
- Huisman, H., J. Smits. 2017. Duration and quality of the peer review process: the author’s perspective. *Scientometrics* 113: 633–650.
- Patel, Jigisha. 2014. Why Training and Specialization is Needed for Peer Review: A Case Study of Peer Review for Randomized Controlled Trials. *BMC Medicine* 128 :12 ..
- Resnik, David B, & Susan A Elmore. 2016. Ensuring the Quality, Fairness, and Integrity of Journal Peer Review: A Possible Role of Editors. *Science & Engineering Ethics*. 22 (1): 169-188.
- Strech, Daniel. 2008. Evidence-based ethics – What it should be and what it shouldn’t. *BMC Medical Ethic*. 9 (16): 1-9. Doi: 10.1186/1472-6939-9-16
- Souder, Lawrence. 2011. The ethics of scholarly peer review: a review of the literature. *Learned Publishing* 24: 55–74.
- Tennant, J. P., M. Dugan Jonathan, Daniel Graziotinn, Damien C. Jacques, et al. 2019. A multi-disciplinary perspective on emergent and future innovations in peer review [version 3; peer review: 2 approved]. *F1000Research*. 6: 1151.
- Wagner A. K., M. L. Boninger, C. Levy, L. Chan, D. Gater, & R. L. Kirby. 2003. Peer review: Issues in physical medicine and rehabilitation. *American Journal of Physical Medicine & Rehabilitation* 82: 790 – 802.
- Ware. Mark. 2008. Peer review: benefits, perceptions and alternatives. *Publishing Research Consortium* 4: 4-20.

رضا رجبعلی بگلو

متولد سال ۱۳۶۰، دارای مدرک تحصیلی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه فردوسی مشهد است. ایشان هم‌اکنون استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) است. مطالعه کاربر، مدیریت اطلاعات و دانش، اخلاق داوری و کتابخانه‌های دیجیتال از جمله علایق پژوهشی وی است.



محمد ربیعی

متولد سال ۱۳۶۲، دارای مدرک تحصیلی دکتری تخصصی مهندسی فناوری اطلاعات با گرایش تجارت الکترونیک از دانشگاه علم و صنعت ایران است. ایشان هم‌اکنون استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) است. متن‌کاوی، پردازش زبان طبیعی و تحلیل رفتار کاربران و مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی از جمله علایق پژوهشی وی است.



زهرا رجبعلی بگلو

متولد سال ۱۳۵۷، دانش‌آموخته کارشناسی علوم اجتماعی با گرایش مردم‌شناسی از دانشگاه آزاد واحد آشتیان است و به‌عنوان همکار پژوهشی در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات فعالیت دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی